

محافظة تنگه احد در دستگاه تعلیم و تربیت!

مجید علیپور

عضو شورای سازمان معلمان گیلان

فایلی صوتی منتسب به رضا مراد صحرایی (سرپرست فعلی وزارت آموزش و پرورش) منتشر شده است که تاکنون از سوی او و یا نزدیکانش تکذیب نشده. براساس این فایل صوتی، «صحرایی» در جمع دانشجو-معلمان دانشگاه فرهنگیان هرمزگان با ادبیاتی سراسر تهدید و با تکبر و غرور می گوید: «معنا ندارد که انجمن اسلامی دانشگاه فرهنگیان همان کاری؟! را بکند که انجمن اسلامی دانشگاه تهران می کند، همان کاری را بکند که انجمن اسلامی دانشگاههای دیگر می کنند؟!» صحرایی با اشاره به «ضوابط انتظامی دانشگاه فرهنگیان!» (ضوابط انضباطی؟!، در جمع دانشجویانی که بناست در آینده نزدیک در مدارس به دانش آموزان خود عزت نفس، کرامت خدادادی، اندیشه ورزی و ... بیاموزند را با ادبیاتی تند تهدید می کند و با این ادعا که به عنوان رئیس دانشگاه فرهنگیان، «محافظة تنگه احد نظام» است می گوید: «هرکس در این دانشگاه خلاف نظام! سخنی بگوید، از خط قرمز عبور کرده و هرکسی از این خط عبور کند امروز شناسایی نشود، فردا شناسایی می شود و خدا نگهدارش!... تعارف که نداریم!؟» وی به صراحت پرداخت هزینه های دانشگاه و دانشجو را هزینه برای سیاست های نظام می خواند و از اینکه دانشجوی دانشگاه فرهنگیان همانند دانشجوی دانشگاه تهران یا دانشگاه علامه به مسایل روز نگاه می کند؛ ابراز تعجب و ناراحتی می کند و در ادامه اساتید این دانشگاه را هم به صراحت تهدید به اخراج می کند اگر کمترین زاویه ای با سیاست های نظام داده باشند. دلیل همه این تهدیدها و تعیین تکلیف کردن ها را هم به «اوفو بالعقود» مستند می کند و با ذکر این نکته که «ما از هیچ چی بلند شدیم» به دانشجویان تذکر می دهد: «این حق را برای خودمان قایل هستیم که از نظام مطالبه کنیم، آن وقت این حق را برای نظام قایل نیستیم که از ما مطالبه کند؟» بعید می دانم که هیچ یک از وزرا و حتی معاونان پیشین یک دستگاه علمی، تربیتی، هنری، فرهنگی و ... چنین افکار عقب مانده و سخیفی برخوردار بوده اند و اگر هم داشتند با این صراحت زبان به بیان بگشایند و از مخاطبان هم به اصرار بخواهند «ضبط کنید و به دیگران هم بگویید!» در رزومه صحرایی

آورده اند که چند نوبت دانشجوی نمونه شده و عضو هیات علمی دانشگاه علامه است و در چندین و چند سازمان و مجمع علمی و فرهنگی و ... عضویت دارد اما در سخنان فردی که ادعا می شود صاحب چنان عناوین و مسئولیت هایی است، نه تنها کمترین نشانه ای از اعتقاد به خرد گرایی و روحیه علمی، آزاد اندیشی، کرامت انسانی و ... مشاهده نمی شود و کمترین حقی برای افراد بابت اشتباه کردن و باز ماندن راه بازگشت و پشیمانی (حتی به فرض بیان سخنی ناسنجیده یا ارتکاب عملی ناصواب) قایل نیست؛ بلکه چنان خود حق پندار و متکبر است که گویی بابت پرداخت چند تومان وجه رایج مملکت، می تواند با مستخدمان دستگاه تحت مسئولیت خود همانند مثنی کنیز و برده زر خرید رفتار کند، بندگان زرخردی که هیچ حقی جز اطاعت امر از صاحب و مولای خود ندارند! اکنون چنین فردی بر کرسی سرپرستی دستگاهی تکیه زده که در ادبیاتش کمترین نشانه ای از اعتقاد و علاقه او به رشد علمی و اخلاقی و پرورش استعداد های فرزندان این مرز و بوم برای توسعه و آبادانی میهن دیده نمی شود؛ او خود را نگهبان تنگه احد می داند و مهم ترین وظیفه خود را شناسایی و اخراج منتقدان و مخالفان! اما به نظر می رسد دانشجوی نخبه سابق! و نگهبان فعلی تنگه احد!، قبل از قبول مسئولیت در مهم ترین نهاد آموزشی و تربیتی کشور که سال هاست با کوهی از مشکلات در حوزه نیروی انسانی، کودکان محروم از تحصیل، بودجه ناکافی، ساختمان های فرسوده، تراکم وحشتناک کلاس های درس، دخالت گسترده و بی جای نهادهای دیگر، تنوع غیرقابل توجیه مدارس، معضل کنکور و سودجویی های این حوزه و ... مواجه است؛ می بایست یک دور سند تحول بنیادین آن را بخواند و ببیند می تواند با چنین افکار و روحیاتی، مصداقی برای "اوفو بالعقود" باشد یا خیر؟ سندی که در همان صفحات نخستش (با همه اشکال ها و ایرادهایی که می توان برای آن برشمرد) آمده است؛ از جمله ماموریت های این دستگاه، طرد «پیوندهای خشونت آمیز (ناشی از ترس و تهدید و ارعاب) یا انتفاعی (ناشی از سودگرایی و استثمار یا استخدام دیگران)» و تعلیم «حق محوری، عدالت گستری و مهرورزی با همه انسانها در سراسر جهان» است.

#اختصاصی سخن معلم